روزنامه شرق

هدیه ویژه نمایشگاه ماشین آلات کشاورزی

یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۸ مه ۲۰۰۶

سال سوم ■ شماره ۷۷۰ ■ ۲۸ صفحه ■ ۱۵۰ تومان

رئیس جمهور افغانستان در تهران

حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان، دیروز برای دیداری دوروزه وارد تهران شد. سفر کرزی به تهران همزمان با افزایش تنش های ایران و غرب در مورد موضوع هسته ای انجام می گیرد و برخی از خبرگزاری ها دلیل سفر کرزی به تهران را میانجی گری وی در روابط ایران و آمریکا ارزیابی کرده اند. گرچه سفر کرزی به تهران قرار بود در اوایل زمستان گذشته انجام شود و همزمان با سفر امامعلی رحمانف رئیس جمهوری تاجیکستان به تهران انجام پذیرد، اما این سفر به دلیل آنچه «خرابی هوا و برخی مشکلات فنی و تکنیکی» عنوان شد. . .

صفحه ۲

آزادی انتخاب، حق انسانی

اقتصاددانان آزاد صاحب رسانه شدند

تنی چند از اقتصاددانان مستقل و طرفدار اقتصاد آزاد و رقابتی تصمیم گرفته اند تا با راه اندازی سایتی اینترنتی ورودی جدید به عرصه مباحث اقتصادی را تجربه کنند. این اقدام که همکاری تعدادی از اهالی مطبوعات را نیز به همراه دارد با هدف نشر و بسط تئوریک و کاربردی مسائل اجتماعی در چارچوب اندیشه اقتصاد آزاد و رقابتی است. این سایت تحلیلی «رستاک» نام دارد. رستاک در فرهنگ لغات به معنی شاخه ای جوان و بالنده است که از بیخ درخت می روید. . .

صفحه ۱۰

تیترها

تکذیب خبر پذیرش تعلیق غنی سازی صنعتی از سوی ایران

صفحه ۲

زلزله اندونزی بیش از ۳هزار قربانی گرفت

صفحه ۲۶

وزیر بازرگانی خبر داد: احیای سازمان تعزیرات حکومتی

صفحه ۱۲

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۳۴۰ تومان
سکه تمام بهار «طرح جدید»	۱۴۷۵۰۰ تومان
نیم سکه	۷۴۵۰۰ تومان
دلار	۹۱۷ تومان
یورو	۱۱۷۱ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۵۱۶

بازتاب درگیری نظامی ترکیه و یونان

صفحه اول

آرش فرح زاد: درگیری جت های F-16 ترکیه و یونان که منجر به کشته شدن چند نفر شد تیتر یک روزنامه های این دو کشور را به خود اختصاص داده بود. «احتمال وقوع جنگ بین ترکیه و یونان آن قدر ضعیف است که حتی نمی توان به آن فکر کرد. اگر چنین اتفاقی بیفتد هر دو کشور بازنده خواهند بود.» این واکنشی بود که روزنامه «ملیت» به درگیری هواپیماهای نظامی ترکیه و یونان نشان داد. روزنامه «حریت» دیگر روزنامه مهم ترکیه نیز در این مورد می نویسد: «اتفاق بسیار تلخی افتاد. نباید این واقعیت را کتمان کرد که ژنرال های ترک و یونانی با ادامه دادن چنین رویه احمقانه ای به نتیجه مثبتی

نخواهند رسید.» در مقابل روزنامه های یونان همسایه ترک خود را در این حادثه مقصر می دانند. روزنامه «توویما» می نویسد: «نظامیان یونانی تمام سعی خود را کردند تا کمترین نقش را در این حادثه داشته باشند. اما نکته عجیب این است که آنها هیچ واکنشی نسبت به اقدام ترک ها نشان ندادند.» روزنامه یونانی «ایکاتیمرینی» واکنش متفاوت مقام های ترک را نسبت به این اتفاق مورد توجه قرار داده بود. «وزیر امور خارجه ترکیه حتی وقوع چنین اتفاقی را تکذیب کرده است در حالی که یکی از مقام های نظامی این کشور یونانی ها را متهم کرده که مانع از انجام مانور هواپیماهای ترکیه در فضای بین المللی شدند. کاملاً مشخص است که ترک ها می خواهند یونان را مقصر اصلی این حادثه معرفی کنند.»

سفیر سابق ایران در فرانسه در گفت وگو با شرق خبر داد

سه لابی علیه مذاکره ایران و آمریکا

گروه سیاسی، فرشاد محمودی: گفت وگوی مستقیم تهران و واشینگتن این روزها دیگر موضوعی فقط برای دیپلمات ها و کارشناسان ایرانی و آمریکایی نیست. تقریباً از هر چهارگوشه عالم این روزها درخواست مذاکره مستقیم آمریکا با ایران شنیده می شود. از رئیس جمهور اندونزی در جنوب شرقی آسیا تا ترکیه و عراق در همسایگی ایران و از رهبران اتحادیه اروپا تا سناتورهای دموکرات و جمهوریخواه در مرکز سیاسی ایالات متحده یعنی واشینگتن. در این میان رهبران سازمان های بین المللی هم وارد شدند، تاکنون تنها سه بار کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد این درخواست را با آمریکایی ها مطرح کرده، محمد البرادعی مدیرکل آژانس انرژی اتمی هم که از ماه ها پیش مذاکره مستقیم را تجویز می کرد به آمریکا رفت و باز همین موضوع را با کاندولیزا رایس وزیر خارجه ایالات متحده در میان گذاشته است. آمریکایی ها این درخواست ها را رد کرده اند و ایران هم که پذیرفته بود در عراق بر سر مسائل این کشور با آمریکا گفت وگوی مستقیم انجام دهد، اعلام کرد با توجه به رویکرد ایالات متحده بر سر مذاکره نخواهد نشست. دیپلمات های جمهوری اسلامی می گویند که آمریکایی ها در مذاکره صادق نیستند و نمی توان به آنها اعتماد کرد. نمونه این دیپلمات ها سیدمحمدصادق خرازی سفیر اسبق فرهنگی ایران در مقر سازمان ملل در نیویورک و سفیر سابق ایران در جمهوری فرانسه است. آقای خرازی یک نمونه بی اعتمادی به آمریکایی ها را در جریان مذاکرات ۲+۶ می داند. مذاکراتی که با حضور سازمان ملل، ایران و آمریکا درباره مسائل افغانستان گفت وگو کردند و از نتایج آن هم موفقیت آمریکا و ائتلاف ضدتروریسم در پایان دادن به حکومت طالبان و روی کار آمدن دولت مردمی در افغانستان بود. صادق خرازی میهمان امروز تهران یعنی حامد کرزی را که حالا در افغانستان قدرت اصلی را دارد نمونه ای از کمک موثر ایران به ائتلاف ضدتروریسم می داند که آمریکایی ها قدر آن را ندانستند.

اما آیا اینک زمینه ای برای انجام مذاکره با آمریکایی ها فراهم است؟ روانشناسی آمریکایی ها در مذاکره چیست؟ چه فرصت های تاریخی ای وجود داشته که آمریکایی ها از آن برای رفع کدورت با ایران استفاده نکردند و آن را از دست دادند؟ مشاور وزیر امور خارجه ایران در دوره اکبر ولایتی و معاون اسبق کمال خرازی در امور پژوهشی و آموزشی سه روز تاریخی در مقطع سپتامبر ۲۰۰۱ تا ژانویه ۲۰۰۲ را از مهم ترین مقاطعی می داند که آمریکایی ها فاصله خود را با ایران زیادتر کردند. صادق خرازی بیش از شش سال از طرف جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل ماموریت داشته و در نیویورک زندگی کرده و به همین علت با روحیه آمریکایی ها از دموکرات تا جمهوریخواه آشنا است. دیپلمات ایرانی که پیش از این مشاور علی اکبر ولایتی وزیر خارجه دولت اکبر هاشمی رفسنجانی و معاون پژوهشی کمال خرازی در دولت محمد خاتمی بوده است حالا چند ماهی است که به ماموریت او در پاریس خاتمه داده شده است. به طنز می گوید که دیپلمات خانه نشین است. او می گوید آمریکایی ها مردان از دست دادن فرصت های تاریخی هستند.

■ ■ ■

■ آمریکایی ها برای مذاکره با ایران شرط گذاشته اند. شرط شان این است که ایران غنی سازی اورانیوم را متوقف کند. به نظر شما آیا ایران این شرط را می پذیرد؟

شرط آمریکایی ها مغایر با حیثیت ملی و سیاست و مصلحت نظام است. امروز این ما هستیم که باید برای آمریکایی ها شرط بگذاریم. ما هستیم که باید به دنبال پول های بلوکه شده مان در آمریکا باشیم. ما هستیم که باید بپرسیم چرا در جنگ ایران و عراق آمریکایی ها از صدام دفاع کردند. این ما هستیم که باید بپرسیم چرا علیه دولت دکتر مصدق کودتا کردند و صدها پرسش دیگر از این دست.

■ چرا ایالات متحده ایران را به مذاکره مستقیم درباره عراق دعوت کرد اما سرانجام تن به مذاکره نداد؟

از ابتدا به حسب سیاست اعلام شده، طرفین اعلام کرده بودند، که چنین مذاکره ای - در صورت تحقق - کاملاً محدود و منحصر به مسائل عراق و به ویژه برقراری امنیت در عراق خواهد بود. چنین تفاهمی در آستانه شکل گیری دولت عراق و قوام گرفتن ساختار قدرت بدون داشتن درک روشن از تفوق شیعیان که طبعاً خواستار تنش زدایی و داشتن روابط حسن همجواری با ایران بودند به وجود نیامده بود. ولی کم نبودند کسانی در محافل صاحب نظر دو طرف آمریکا و ایران که تصور می کردند یک فرصتی طلایی است و باید مذاکرات عراق را پایه ای برای نوعی معامله جامع و بزرگ و حل و فصل جامع اختلافات دیرینه و از جمله مقوله برنامه هسته ای کرد. البته اکثر طرفداران این تز چه در ایران و چه در آمریکا نوعاً در لایه های اصلی قدرت و تصمیم گیرندگان طراز اول نبودند و طبیعی است که بتوانند تفکراتی آزادانه تر ارائه دهند و فارغ از موانع عملی و اجرایی نظرات خود را تئوریزه کنند. البته محرزترین پاسخ به سئوال شما این است که قرار بود ایران و آمریکا درباره دولت عراق مذاکره کنند. اکنون که دولت عراق تشکیل شد دیگر مذاکره موضوعیت ندارد. من شخصاً گاهی فکر می کنم که اگر از نظر زمانی گزارش البرادعی به شورای امنیت و مذاکرات اعضای دائم در نیویورک مقدم بر زمان تعیین شده برای گفت وگوهای بغداد بود اینک فضای متفاوتی بود و باید در جست وجوی توجیهات متفاوتی می بودیم.

■ به نظر شما تفاوت مذاکره با جمهوری خواهان و دموکرات ها در چیست؟ آیا در لابی هایی که تا به حال انجام شده تفاوت عمده ای بین این دو دیده می شود؟

من تردید دارم که در هیچ برهه ای، ظرف ۲۸ سال گذشته غیر از موارد مقطعی و مواقع موردی هیچ یک از طرفین و هر یک به دلایل خاص خود که عمدتاً از سیاست داخلی نشأت می گرفت خواستار مذاکره جدی در باب مسائل اساسی برای حل و فصل جامع و شکستن یخ های جنگ سرد بحران روابط بوده باشند. البته جمهوری اسلامی صداقت داشت و گفته ها و شعارهایش با عملکردش هماهنگ بود. ولی آمریکا در مواضعش طوری عمل می کرد که در افکار عمومی جامعه جهانی این باور را به وجود آورد که در ایران با یک حکومت پاسخگو که بتواند به آنچه می گوید پایبند باشد مواجه نیست که البته جمهوری اسلامی هم در پایه ای از اوقات از دادن مستمسک کوتاهی نمی کرد. این امر با شدت و ضعف و تاکتیک های متفاوت در تمام دولت های آمریکا اعم از جمهوری خواه و دموکرات پیگیری می شد و لذا شما با یک سیاست مستمر و (Containment Dual) مشخص مذاکراتی دموکرات ها و یا جمهوری خواه ها روبه رو نیستند. در زمان کلینتون و دموکرات ها سیاست مهار دوگانه تئوریزه و اجرا شد و باز در زمان همین دموکرات ها خانم آلبرایت با اتخاذ سیاست دلجویانه و عذرخواهی تلویحی به خاطر اقدامات مداخله جویانه در زمان مصدق فرصت کوتاه و استثنایی در اختیار ایران گذاشت ولی آن طور که بایسته بود دولت آقای خاتمی نتوانست از آن بهره برداری کند. قصد من ارزیابی آن واقعه نیست بلکه می خواهم بر این نکته پای فشارم که انتظار برای روی کار آمدن دموکرات ها و یا خواب نما شدن جمهوری خواهان توقع عبثی است.

■ آیا سیاست های بوش پسر که تحت تاثیر افکار محافظه کاران نوین اعمال می شود شباهت با اسلاف جمهوری خواه خود دارد؟

برای من مشکل است که بتوانم بپذیرم استراتژی درازمدت آمریکا می تواند دستخوش سلایق و تاکتیک های کارگزاران این کشور قرار گیرد. ایران برای آمریکا یک مقوله استراتژیک است که به صورت بخشی و تاکتیکی قابل حل نیست.

■ روانشناسی آمریکایی ها در مذاکره با ایران چیست؟

واقعیت این است که آمریکایی ها مذاکرات رسمی و جدی و مستمری با جمهوری اسلامی نداشته اند که بتوان رفتارهایشان را طبقه بندی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. علی الاصول تردید نداشته باشید که داشتن درک صحیح و روانشناختی از رفتارها و واکنش های حریف به میزان سایر جنبه های تاکتیک های مذاکراتی واجد اهمیت است. به طور کلی می توان گفت که آمریکا بعد از استقلال متجاوز از ۱۵۰ سال به پیروی از اصل مونرونه با نوساناتی پیرو سیاست انزوا بود بعد از جنگ جهانی اول نیز تلاش های وود و ویلسون و اصول چهارده گانه او نتوانستند آنطور که باید آمریکا را در صحنه سیاست جهانی درگیر کند. تنها بعد از جنگ جهانی دوم بود که آمریکا به صورت خیلی جدی درگیر مسائل بین المللی شد و لذا از همان ابتدای ورود به صحنه جهانی در مقابل خود با چالش حریف های قدری با ساختار قدرتی و حکومتی ایدئولوژیک روبه رو بود؛ اعم از نازیسم پیشوا، فاشیسم دوچه و یا کمونیسم لنین و استالین و حتی مارکسیسم مائوئیستی چیانکایچک. لذا آمریکایی ها به گونه ای غریزی و ناخودآگاه از نظر روانشناسی در مذاکرات دو نوع برخورد می کنند و حریف را طبقه بندی می کنند. یکی طرف مذاکرات دوست و دیگری رقیب و یا دشمن که نوعاً ایدئولوژیک است. هنوز اکثر کسانی که در آمریکا در رده تصمیم گیری هستند متاثر از فضای جهان دوقطبی هستند. خانم رایس در دانشگاه استانفورد متخصص مسائل شوروی بوده و همین طور مهره های موثر در پنتاگون و سیا و وزارت خارجه آمریکا نوعاً به دانش و تجربیات خود که در فضای جهان دوقطبی کسب کرده اند می بالند. این گروه به حسب تجربیات طولانی، علاوه بر مشخصات و مختصات خاصی که برای خصم و یا حریف ایدئولوژیک در مذاکرات برای خود تعریف می کنند معتقدند که در هنگام مذاکره با حریف ایدئولوژیک باید حوصله زیادی داشت زیرا که توافق با آنان زود به دست نمی آید و چه بسا سال ها طول بکشد و جلسات بعضاً به مشاجرات لفظی تند و غیرسازنده و برچسب زدن ها بینجامد. آنها می گویند در مذاکره با حکومت های ایدئولوژیک چندین بار ممکن است به خانه اول بازگردید. ولی اگر امید به توافقی دارید باید فشار مستمر وارد کنید و از کاربرد زور تلویحاً و تصریحاً عنداللزوم غافل نشوید. گاهی اوقات ربط منطقی بین استدلالات و موضوع مورد اختلاف وجود ندارد. تبلیغات داخلی برای آنها خیلی مهم است، ولی این گونه حکومت ها آمادگی دارند که چنانچه ایجاب کند امتیازهای بسیار بزرگ و شاید غیرمتناسب بدهند. به هر حال صرف نظر از اینکه این ارزیابی ها صحیح و یا غلط باشد در عمل آمریکایی ها اشتباهاً با جمهوری اسلامی همچون نظام های ایدئولوژیک برخورد می کنند به همین دلیل نوعاً ناموفقند.

■ در وضعیت فعلی مناسبات ایران و آمریکا که بسیار هم تیره است آیا اصولاً ضرورت بر مذاکره رودررو برای هر دو طرف وجود دارد یا بهتر است تا زمانی که شرایط آرام تر شود صبر کرد؟

علی الاصول و به طور کلی، مذاکره توام با حسن نیت فی نفسه قابل توصیه است. مهم این است زمان و شرایط مذاکره پخته و رسیده و هدف هایی که باید به آن رسید برای خود مذاکره کنندگان روشن و تعریف شده و قابل حصول و دفاع باشد. چه بسا اهداف صحیحی که به لحاظ طرح در زمان و شرایط نامناسب قربانی شده اند. لذا تیزبینی و قدرت مانور و تصمیم گیری به موقع جایگاه خاصی دارد. ابزارها و روش های مذاکره لزوماً در پشت میز مذاکره ارائه نمی شوند. علی الخصوص تمهیدات اولیه برای نشستن پشت میز مذاکره و ارسال علائم مناسب و بهنگام، از مجاری صحیح جایگاه ویژه ای دارد، اگرچه در پاره ای موارد کارساز بوده است ولی در اکثر موارد منجر به دادن امتیازهای غیرمتناسب (Secret Diplomacy) دارند. دیپلماسی پنهان می شود. آنچه که گفتم کلیات و مقدمه ای بود برای آنکه بگوییم هیچ واسطه ای نمی تواند مکنونات شما را بهتر از خودتان بیان و خواسته ها و نگرانی هایتان را به طرف مقابل تفهیم کند. واسطه حتی از نوع دلسوز و مورد اعتماد، در بهترین شرایط سعی می کند که در حین عمل مسائل خود را حل کند. جسارت و ابتکار عمل سنجیده و پرهیز از فرصت سوزی های بی فایده از اتلاف وقت و هزینه جلوگیری می کند. روابط بحرانی ۲۸ ساله بین ایران و آمریکا به قدر کافی طولانی بوده و برای هر دو طرف به قدر کافی هزینه داشته است که متفقاً به تفاهم برسند که باید از مرحله لفاظی و مشاجرات لفظی گذر کنند. طی این مدت هر دو طرف به قدر کافی از سیاست خارجی برای سیاست داخلی خرج کرده اند. شاید زمان آن فرارسیده که این روند معکوس شود.

■ آیا طی ۲۸ سال گذشته فرصت مناسبی هم برای گفت و گوی مستقیم بوده که از دست رفته باشد؟

همانطور که در پاسخ به سئوال دوم گفتم گمان نمی کنم در مروری به روابط دوجانبه طی ۲۸ سال گذشته به موارد زیادی بر بخوریم که فرصت آن بوده است که طرفین در شرایط مساوی و شرافتمندانه برای حل و فصل جامعه و غیربخشی اختلافات وارد عمل شوند. حتی در قضیه آمدن مک فارلین به ایران فضای موجود به گونه جامعه الاطرافی برای حل و فصل جامع مسائل آماده نبود. ولی در اواخر دوره زمامداری کلینتون خانم آلبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا دست به نوعی «گامبی» در شطرنج مذاکرات و مناسبات دو جانبه زد که به زعم پاره ای از صاحب نظران باید این فرصت قاپیده می شد. در آن هنگام دولت آقای خاتمی به رغم وجود تمایل، فاقد ابزار و مکانیسم و حمایت لازم برای تمشیت این امر بود. اینکه تا چه اندازه چنین برداشتی واقع بینانه است محتاج ارزیابی دقیق تر و غیرآماتوری تری است. ساختار، ترکیب و موازنه قدرت در داخل به گونه ای بود که می توانست گفته شود ترسم از ترکان تیرانداز نیست - طعنه تیرآورانم می کشد.

ادامه در صفحه ۲۶

خلاصه گفتگو

۱- یازدهم سپتامبر، سیزدهم نوامبر و بیست و دوم دسامبر سه روزی بود که آمریکایی ها قدر آن را ندانستند.

۲- ایران در خاورمیانه برای آمریکایی ها هیچ گاه در حاشیه قرار نخواهد گرفت.

۳- هرگاه ایران و آمریکا درصدد تنش زدایی برآمدند سه لابی یهودی، ضد انقلاب و برخی کشورهای عربی منطقه به صورت جدی وارد و مانع شدند.

عکس: مهدی حسنی، شرق

سرمقاله

حکایت آینه و خشت خام

در حاشیه بازنشستگی استادان دانشگاه تهران

مهران کرمی

سیاست جوانگرایی دولت جدید که تغییرات بی سابقه و گسترده مدیریتی کشور را در پی داشت، سر از مجامع علمی درآورد و با بازنشسته شدن ۶ استاد برجسته دانشکده حقوق دانشگاه تهران دامن استادان و اعضای هیات علمی دانشگاه ها را گرفت. استادانی که چه در بخش علوم سیاسی و چه حقوق خود آینه چند دهه تحولات سیاسی و حقوقی کشور بودند و بسیاری از سیاستمداران، قانونگذاران، قضات و وکلای دادگستری را باید دست پرورده ده ها سال تلاش بی دریغ این استادان دانست. کسانی همچون دکتر عزت الله عراقی، دکتر ابوالقاسم آشوری یا دکتر بهروز اخلاقی که هنوز هم در رشته های خود حقوق کار، حقوق کیفری و حقوق تجارت بدیلی ندارند و چه بسا اولین نام هایی باشند که دانشجوی رشته حقوق به محض ورود به دانشگاه با نام آنها آشنا می شود. این استادان بازنشسته نسلی از استادان دانشکده حقوق و علوم سیاسی هستند که در کنار نام هایی چون دکتر ناصر کاتوزیان، دکتر ابوالقاسم گرجی، مرحومان دکتر حمید عنایت، دکتر جواد شیخ الاسلامی و دکتر ابوالفضل قاضی تجربه درک استادان نسل اول رشته های قضا و سیاست همچون دکتر علی اکبر سیاسی، و. . . را داشته اند و بسیاری از استادان مبرز دانشگاهی امروز در رشته های علوم سیاسی و حقوق شاگردان آنها هستند. سرچشمه های دانش آنها به حدی جوشان بوده که چه پیش و چه پس از انقلاب بسیاری از سیاستمداران از جناحین سیاسی کشور و فراتر از آن، از سفره گسترده تجربیات و دانش آنها بهره ها گرفتند و می گیرند. پاره ای از آنها حتی پیش از انقلاب دامن خود را، به سیاست و آلایش های رژیم وقت نیالودند و در فردای انقلاب هم منشاء اثراتی بسیار همچون تدوین پیش نویس قانون اساسی بودند، چنان که حتی از تحولات دوران انقلاب فرهنگی دهه شصت هم توانستند سرفراز بیرون بیایند و اگرچه در پاره ای موارد با بی مهری هایی مواجه شدند ولی آب رفته به جوی بازگشت و توانستند اعتبار پیشین را به دست بیاورند. اما گذشته از همه اینها در بازنشستگی این چند استاد برجسته دانشگاه تهران چند نکته است که در مورد آنها به اجمال اشاراتی می رود.

۱- شغل بودن: کشور ایران دستخوش چند پدیده توامان است که می تواند مسبب بحران و بلکه بحران ها شود. ازجمله جوان بودن جمعیت، بی کاری و نیاز به اشتغال جوانان. چنین مشکلاتی می طلبد که سیاست های متناسب با آن همچون پائین آوردن سن بازنشستگی و ایجاد شغل های جدید اتخاذ شود. اما در مورد بازنشسته کردن استادان دانشگاه به چند دلیل نمی توان چنین دیدگاهی را پذیرفت؛ نخست آن که عضویت در هیات علمی دانشگاه ها شغل به مفهوم رایج به حساب نمی آید و از معدود مواردی است که داشتن دو سمت دولتی که یکی از آنها آموزشی باشد حتی عهده داری ریاست دانشگاه منع قانونی ندارد. دوم آن که بازنشستگی این افراد منوط به این است که جانشینی دست کم با دانش و تجربیات نزدیک به این استادان پیدا شود. حال آن که در مورد برخی از استادان بازنشسته شده چنین صدق نمی کند و زمان بی نیاز شدن از علم و تجربه آنها نه تنها هنوز فرانرسیده بلکه تا زمانی که ذهن آنها از زایندگی و جسم شان از حرکت بازنایستاده به آنها نیاز است. سوم آنکه حتی اگر استادی دانشگاه شغل به مفهوم متعارف هم محسوب شود، از آن دسته مشاغلی است که اتفاقاً در سنین پختگی اندیشه و عمل به کار می آید و چه بسا کسان که پس از بازنشستگی از مشاغلی همچون سیاست، قضا و وکالت، زمان بهره گرفتن از دانش و بینش و تجربه آنها در محافل آکادمیک فرا می رسد و بر فرض دعوت فردی که چند دوره نماینده مجلس بوده یا چند سال در کسوت قضاوت و وزارت خدمت کرده برای تدریس در دانشگاه حتی اگر مدرک دانشگاهی نداشته باشد نه تنها اشتباه نیست، بلکه بهترین کار ممکن است.

۲- کرامت انسانی: با فرض اینکه در بازنشسته کردن چند استاد برجسته دانشگاه همه مراحل قانونی و عرفی طی شده باشد، اعلام همزمان و بدون اعلام قبلی بازنشستگی آنها با بسیاری از ارزش های اجتماعی و دینی ما ایرانیان همچون احترام به بزرگترها و پاسداشت کرامت انسانی همخوانی ندارد و قرائن نیز نشان از آن می دهد که این اقدام چندان هم فارغ از بازی های سیاسی و بهره مند از سیاست ورزی نبوده. چنان که از میان بازنشستگان، دکتر حسین درودیان تا روز بازنشستگی ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی را عهده دار بوده است و این امر شائبه های سیاسی بودن چنین برخوردهایی را تشدید می کند. از همین نکته می توان به پیامدهای سیاسی چنین تصمیم گیری هایی اشاره کرد که ناآرامی های دانشجویی چند روز اخیر یکی از آنها است و قطعاً در صورتی که شرایط داخلی کشور همچون مسائل قومی در آذربایجان، خوزستان و بلوچستان و نیز حساسیت مسائل بین المللی پرونده هسته ای ایران مدنظر قرار می گرفت، تصمیماتی بهتر از این گرفته می شد. جامعه مدنی ایران و به ویژه جامعه دانشجویی نیاز به مرجعیت فکری این استادان دارند و در شرایطی که جامعه در اثر مسائل قومی و سیاسی ملتهب است وجود استادان باتجربه و بینش و دانش که دهه های عمر خود را صرف خدمت در راه پیشبرد فرهنگ علم پژوهی، نهادینه کردن قانون و توسعه آموزشی و سیاسی کرده اند، می تواند لنگرگاه ثبات باشد.

ادامه در صفحه آخر

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تاثر و تالم درگذشت مرحوم مغفور شادروان محمد آیت الهی را به اطلاع می رساند.

بدین مناسبت مراسم ترحیم و بزرگداشتی در روز دوشنبه ۸۵/۳/۸ از ساعت ۱۵/۳۰ لغایت ۱۷ در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی منعقد می باشد.

از طرف هیات مدیره، مدیریت و کارکنان شرکت ابارا ایران

مهندس پرویز پیروز

بنیاد علمی آموزشی قلم چی

در شهریور ۱۳۸۴

بر گسترش دانش و آموزش وقف عام شد

ثبتنام برای آزمون ورودی: اردیبهشت و خرداد ۸۵ رجوع به صفحه ۵

اطلاعیه

به مناسبت شروع فعالیت و انتشار نیازمندیهای روزنامه شرق، این افتخار را داریم که به اطلاع خوانندگان محترم روزنامه، که پیوسته مشوق و همراه ما بوده اند برسانیم، تخفیفات ویژه ای را برای آغاز فعالیت و انتشار نیازمندیها در نظر گرفته ایم، تا گام اول ما برگ دیگری از خدمات و سرویس دهی شرق باشد.

سازمان نیازمندیها

۲۲۰۱۴۰۰۱-۱۱

از ۱۸ خردادماه ۸۵ در شرق

ویژه نامه جام جهانی فوتبال - آلمان

خرداد و تیر ۸۵

FIFA WORLD CUP GERMANY 2006

سازمان آگهی ها ۲۲۰۵۷۰۹۰

آگهی فراخوان عمومی مناقصه

شماره ۸۵/۸۰ (نوبت دوم)

شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان

رجوع به صفحه ۲

از خوانندگان عزیز روزنامه خواهشمندیم انتقادات و پیشنهادهای خود را به منظور بهبود نحوه توزیع روزنامه از طریق تلفن/نمابر

۶۶۹۵۸۶۱۰

با ما در میان بگذارند.